

بسم الله الرحمن الرحيم

نکات کلیدی و تفسیری جزء نهم قرآن کریم



ایمان و عمل ما درست شود،

برکات هم نازل می شود

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ
اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ
السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ (۹۶- اعراف)

در این آیه خداوند متعال به

صراحت وعده می دهد که اگر باورهای مردم باورهای توحیدی شود و از شرک و خرافه پاک گردد و در عمل هم به آنچه خدا گفته است به قدر میسر عمل کنند درهای رحمت و برکت الهی از آسمان و زمین به روی مردم گشوده می شود.

از اهل القرى؛ مردم یک منطقه به دست می آید که ملاک نزول برکات، ایمان و عمل اکثری مردم است پس اگر بیشتر مردم دین باور و دین دار بودند وعده حق عملی خواهد شد و بی مبالغاتی تعدادی از مردم، تأثیری در عملی شدن آن وعده نخواهد داشت اما اگر برعکس شد درهای رحمت نیز بسته می شوند و دین داری عده ای هم نمی تواند آن ها را باز کند (۱).

سه ویژگی که متکبران دارند

سَاصْرِفْ عَنْ ءَايَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ ءَايَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ
سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا (۱۴۶- اعراف)

طبق این آیه متکبرانی که مانند ابلیس (۲) از دین و دستور خداوند متعال روی برمی گردانند کسانی اند که دارای این سه ویژگی اند:

۱. آن ها اگر تمام آیات و نشانه های الهی را ببینند، ایمان نمی آورند.

۲. اگر راه راست و طریق درست را مشاهده کنند، انتخاب نخواهند کرد.

۳. اگر راه منحرف و نادرست را ببینند، راه خود انتخاب می‌کنند (۳).

«فَانْسَلَخْ مِنْهَا؛ او از پوست به در آمد» این عبارت کنایه از این است که او علم و داده‌های الهی را گرفت اما آن‌ها را به درونش نفوذ نداد و به جان‌ش پیوند نزد تا بشود عقیده؛ بلکه در حد پوست و پوستین در بر خود نگه داشت تا اینکه بالاخره در آزمون‌های الهی این پوستین را انداخت و ماهیت واقعی خود را آشکار کرد

بشارتی که قرآن به گنه‌کاران پشیمان می‌دهد

الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَءَامَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۵۳- اعراف)

کسانی که گناه کردند اما بعد پشیمان شده و به واقع توبه کنند و ایمان بیاورند، یعنی از عقاید گذشته خود که ریشه گناهانشان بوده دست شسته و باورهای خود را بر اساس اسلام قرار دهند؛ خداوندی که بسیار آمرزنده و رحیم است از گناهانشان در گذشته و سعادت دنیا و آخرت آن‌ها را تضمین می‌کند.

هر چند توبه و بازگشت به آغوش مهر پروردگار برای همه ممکن است اما نباید پنداشت که هر بازگشتی با یک استغفاری که به زبان جاری می‌شود محقق می‌گردد. توبه شرایطی دارد که پشیمانی قلبی و جبران کاستی‌های گذشته (۴) از شرایط آن است.

کسی که در قرآن تشبیه به سگ شد

وَ أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (۱۷۵) وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ (۱۷۶- اعراف)

این دو آیه مربوط به کسی است که با وجود علم و بهره از برخی موهبت‌های خدادادی؛ خدا او را به سگ تشبیه کرد. قرآن کریم به عنوان کتابی که هم بیماری را نشان می‌دهد و هم ریشه و درمان آن را بیان می‌کند علت این سقوط را چنین تحلیل کرده است:

فَانْسَلَخَ مِنْهَا؛ او از پوست به در آمد» این عبارت کنایه از این است که او علم و داده‌های الهی را گرفت اما آن‌ها را به درونش نفوذ نداد و به جان‌ش پیوند نزد تا بشود عقیده؛ بلکه در حد پوست و پوستین در بر خود نگه داشت تا اینکه بالاخره در آزمون‌های الهی این پوستین را انداخت و ماهیت واقعی خود را آشکار کرد (۵).

قرآن قدمی جلوتر رفته و علت این مشکل او را هم بیان می‌کند و آن میل او به دنیا و تبعیتش از هوای نفس بود که سبب شد دانسته‌ها و «دین دانی» اش تبدیل به «دین داری» نشود.

وقتی آژیر شیطان را شنیدید به پناهگاه خدا بروید

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۰۰- اعراف)

زمانی که آژیر خطر به صدا در می‌آید گوینده‌ای با صدای دلهره‌آورش چنین می‌گفت: توجه! توجه! علامتی که هم اکنون می‌شنوید اعلام خطر یا وضعیت قرمز است بعد می‌گفت محل کار خود را ترک و به پناهگاه بروید. بلافاصله بعد از پیام او صدای آژیر گوش خراشی در همه جا طنین انداز می‌شد و مردمی را می‌دید که با دستپاچگی و سرعت خاصی برای حفظ جان خود به سوی محل امنی در حال دویدن‌اند.

قطعاً خیلی مضحک و خنده دار خواهد بود که کسی در این وضعیت قرار بگیرد و به جای فرار به سوی پناهگاه در معرض خطر بایستد و زیر لب مدام تکرار کند «من به پناهگاه می‌روم». این داستان بسیار شبیه جریانی است که قرآن کریم نقل می‌کند.

قرآن می‌فرماید: وقتی وسوسه شیطان را حس کردید به خدا پناه ببرید (۶) که او هم به خواسته شما ترتیب اثر می‌دهد و هم اینکه می‌داند شما را چگونه نجات دهد.

پناه بردن به خدا باید با تمام وجود باشد درست به مانند همان مضطر زیر بمباران؛ والا اگر بایستد و مدام بگوید اعوذ بالله اعوذ بالله کاری از پیش نخواهد برد.

دو چیز در این دنیا می‌تواند مانع نزول عذاب الهی شود که یکی از آن دو رفت و دیگری همچنان در دست شماسست به آن خوب چنگ بزنید و محکم آن را بگیرید. بعد فرمودند: آن امانی که از دست شما رفت رسول خدا صلی الله و علیه و آله بود و آن دیگری که همچنان در بین شماسست استغفار است و بعد همین آیه را تلاوت کردند تا دلیل سخنشان را هم ذکر کرده باشند.

این گروه حقاً که مؤمن‌اند

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۲) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳) أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا (۴- انفال)

قرآن کریم در این بخش به پنج ویژگی کسانی که به واقع مؤمن هستند اشاره می‌کند و در پایان با عبارت «أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» حقانیت ایمان آن‌ها را امضاء می‌کند. آن ویژگی‌ها که سه قسمت آن جنبه معنوی و باطنی دارد و دو قسمت

آن جنبه علمی و خارجی، عبارتند از: احساس مسئولیت، تکامل ایمان، توکل، ارتباط با خدا و ارتباط و پیوند با خلق خدا. (۷)
که در آیه به این ترتیب آمده است:

۱. هر وقت نام خدا برده شود، دل‌های آن‌ها به خاطر احساس مسئولیت در پیشگاهش ترسان می‌گردد.

۲. هنگامی که آیات خدا بر آن‌ها خوانده شود بر ایمانشان افزوده می‌شود.

۳. تنها بر پروردگار خویش تکیه و توکل می‌کنند.

۴. نماز را (که مظهر رابطه با خداست) بر پا می‌دارند.

۵. از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم در راه بندگان خدا انفاق می‌کنند.

دین، مایه حیات انسان و جوامع بشری است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (۲۴- انفال)

این تعبیر کوتاه‌ترین و جامع‌ترین تعبیری است که درباره اسلام و آئین حق آمده است. اگر کسی بپرسد اسلام هدفش چیست؟ و چه چیز می‌تواند به ما بدهد؟ در یک جمله کوتاه می‌گوییم هدفش حیات بخشیدن به بشر در تمام زمینه‌هاست (۸).

آیه می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اجابت کنید دعوت خدا و پیامبر را به هنگامی که شما را به چیزی می‌خواند که شما را زنده می‌کند و این صراحت دارد در اینکه دعوت اسلام، دعوت به سوی حیات و زندگی است حیات معنوی، حیات مادی، حیات فرهنگی، حیات اقتصادی، حیات سیاسی به معنای واقعی، حیات اخلاقی و اجتماعی، و بالاخره حیات و زندگی در تمام زمینه‌هاست.

نا گفته پیداست که این روح وقتی در کالبد فرد یا جامعه دمیده می‌شود که اسلام واقعی به خوبی شناخته شده و به دقت بدان عمل شود وگرنه اسم اسلام یا اسلام آمریکایی که خود مرده است قطعاً نمی‌تواند حیات بخش باشد.

تقوا پیشه کنید تا در کارهایتان در نمایند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹- انفال)

تقوا یا همان خداترسی که در پرهیز از محرمات الهی نمود پیدا می‌کند عاملی است که برای کسب بصیرت، بصیرت آن دید با نفوذی است که پوسته ظاهر را شکافته و به واقعیت درونی راه پیدا می‌کند. یکی از کاربردهای مهم این حالت که خداوند آن را در اثر تقوایبشگی نصیب انسان می‌کند در تشخیص حق از باطل است.

فرقان» به معنی چیزی است که میان دو چیز فرق می‌گذارد که در آیه مورد بحث مراد ابزار فرق گذاری میان حق و باطل است، چه در اعتقادات (جدا کردن ایمان و هدایت است از کفر و ضلالت) و چه در عمل (جدا کردن اطاعت از معصیت و چه در رأی و نظر (جدا کردن فکر صحیح از فکر باطل)؛ آنچه مهم است این است که همه این‌ها نتیجه و میوه‌ای است که از درخت تقوا به دست می‌آید. (۹) که البته باید برداشتن آثار گناه و بخشش آن‌ها را هم به این نتیجه اضافه کرد.

تا زمانی از عذاب الهی در امانیم که استغفار در بینمان رواج داشته باشد

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۳۳- انفال)

این کریمه دو عامل را مانع نزول بلاهایی معرفی می‌کند که در اثر و کفر و طغیان بر سر اقوام گذشته آمد. این دو عامل یکی وجود رسول خدا صلی الله و علیه و آله بود که از این دنیا رخت بر بست و عالمی را در حسرت حضورش گذاشت دیگری استغفار یا طلب بخشش الهی است که تا انسان در این عالم وجود دارد آن هم می‌تواند جریان داشته باشد.

تنها کسانی حق سرپرستی و تولیت خانه خدا را دارند که موحد و پرهیزگار باشند. بنابراین غیر مسلمانان و نیز کسانی که جانب تقوا را رعایت نمی‌کنند نمی‌توانند تولیت و مدیریت مسجدالحرام را تصاحب کنند

امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی گهربار این نکته را مطرح کرده می‌فرماید: «كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا فِدُونُكُمْ الْآخَرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ» (۱۰) دو چیز در این دنیا می‌تواند مانع نزول عذاب الهی شود که یکی از آن دو رفت و دیگری همچنان در دست شماسست به آن خوب چنگ بزنید و محکم آن را بگیرید. بعد فرمودند: آن امانی که از دست شما رفت رسول خدا صلی الله و علیه و آله بود و آن دیگری که همچنان در بین شماسست استغفار است و بعد همین آیه را تلاوت کردند تا دلیل سخنشان را هم ذکر کرده باشند.

سرپرستی بیت الله الحرام فقط با پرهیزگاران است

إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَئِنْ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۳۴- انفال)

پیام آیه روشن است: تنها کسانی حق سرپرستی و تولیت خانه خدا را دارند که موحد و پرهیزگار باشند. بنابراین غیر مسلمانان و نیز کسانی که جانب تقوا را رعایت نمی‌کنند نمی‌توانند تولیت و مدیریت مسجدالحرام را تصاحب کنند.

گر چه این حکم در باره مسجدالحرام گفته شده است، ولی در واقع شامل همه کانون‌های دینی و مساجد و مراکز مذهبی می‌شود؛ حکمی که بر اساس آن «متولیان» آن‌ها باید از پرهیزکارترین و فعال‌ترین مردم باشند که این کانون‌ها را پاک و زنده و مرکز تعلیم و تربیت و بیداری و آگاهی قرار دهند؛ نه مشتی افراد کثیف و وابسته و خود فروخته و آلوده که این مراکز را تبدیل به محل کسب و یا مرکز تخدیر افکار و بیگانگی از حق سازند. اگر مسلمانان همین دستور اسلامی را در باره مساجد و کانون‌های مذهبی اجرا می‌کردند امروز جوامع اسلامی شکل دیگری داشت (۱۱).

دیگر امروز کسانی که بویی از تقوا و خدا ترسی نبرده اند نمی توانستند خود را خادم حرمین شریفین بخوانند و بر مسند تولیت این مکان مقدس تکیه بزنند.

پی نوشت ها:

(۱) ر.ک به المیزان، ج ۸، ص ۲۰۱

(۲) آیه ۱۳ سوره اعراف

(۳) نمونه، ج ۶، ص ۳۶۷

(۴) آیه ۳۹ سوره مائده

(۵) ر.ک به نمونه، ج ۷، ص ۱۲

(۶) نمونه، ج ۷، ص ۶۳

(۷) همان ص ۸۶

(۸) نمونه، ج ۷، ص ۱۲۷

(۹) المیزان، ج ۹، ص ۵۶

(۱۰) نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۸۸

(۱۱) نمونه، ج ۷، ص ۱۵۶

منبع: هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیر حضوری حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>